

# ماندگار

رئیس جمهور کرزی به کابینه:

شاه گل رضایی عضو مجلس در کنفرانس آجندهای ملی:

## مردم را فریاد، من نامزدی ندارم!

### آجندهای ملی زمینه ساز گفتمان جدید در کشور است



می خواهم تاکید کنم که برگشت به گذشته در  
منطق امروری افغانستان نمی گنجد.  
دولتی که بر اساس آرای مردم به وجود می آید  
پایه های آن را وحدت و عدالت اجتماعی تشکیل  
خواهد داد و این یکی از پایه های اساسی  
حکومت داری نیز است **صفحه ۶**

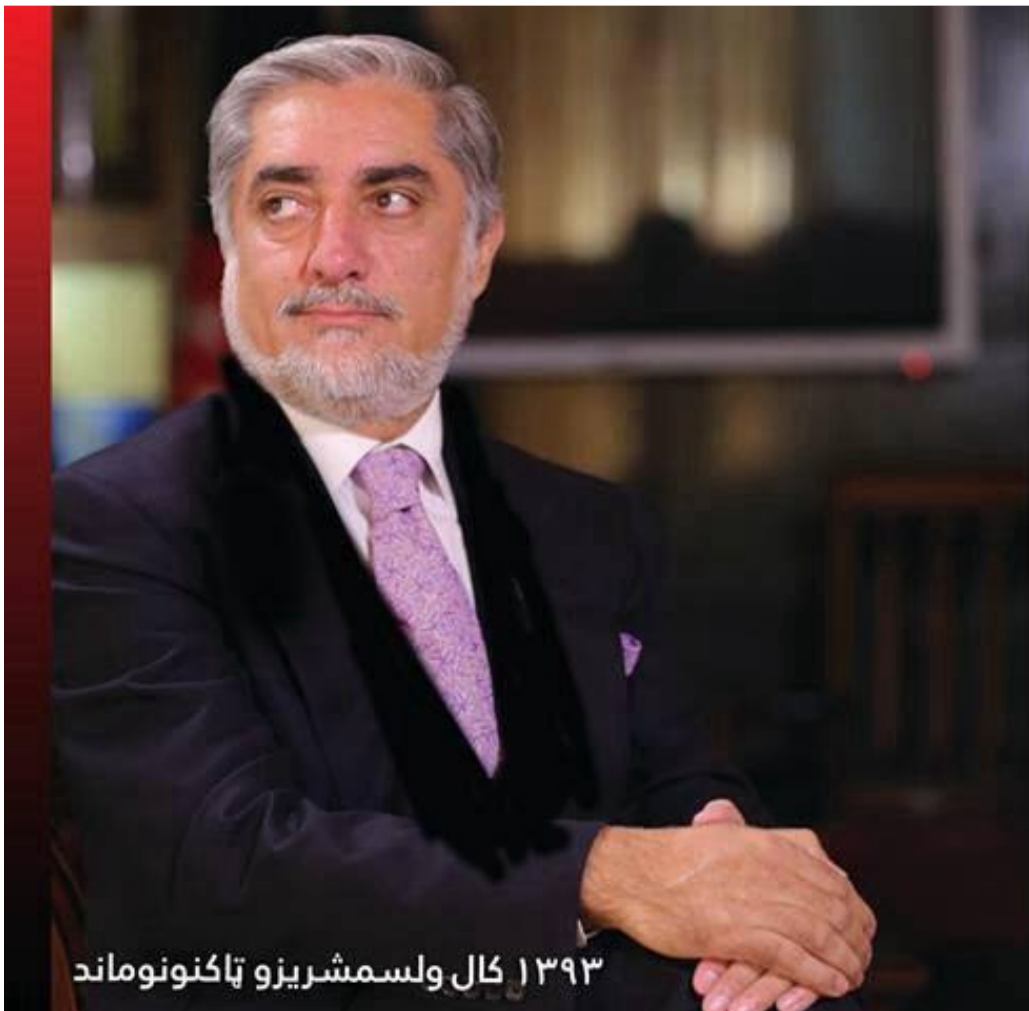


## تبلیغ نکردن به از بد تبلیغ کردن است!

صفحه ۶

در برگ ها

- ۱. یک امضا و این همه غوغا!
- ۲. تبار شناسی معنای پول
- ۳. کافکا و سه لشکر مفسر
- ۴. رییس پاسپورت: به فساد پایان داده ام
- ۵. [Image of a man's face]



۱۳۹۳ کال ولسمشریزو ټاکنونومانډ

داعتراسر  
عبدال

## د بدلون مهال را رسېدلی دی

ټاکنیزه شمېره

ټاکنیزه نېنه

احمد عمران

# یک امضا و این همه غوغا!



## سخن ماندگار

### گام‌هایی که به سود

### طالبان برداشته می‌شود!

کاخ ریاست جمهوری افغانستان در خبرنامه‌ی اعلام کرده است که از این پس نیروهای خارجی حق گرفتاری و بازداشت هیچ یک از اتباع افغانستان را ندارند. این تصمیم پس از تعطیلی زندان بگرام و رهایی تمامی زندانیان طالبان گرفته شده است. گفته می‌شود که این تصمیم در مشوره با دادگاه عالی کشور، مشاوریت امنیت ملی، وزارت داخله، وزارت دفاع و سایر نهادهای مسوول گرفته شده است. مقامات کشورهای ناتو و ایالات متحده درباره این موضوع از ابراز نظر خودداری کرده‌اند و هنوز روشن نیست که واکنش بعدی آن‌ها چه خواهد بود.

در هر صورت، رفتاری را که آقای کرزی در آخرین ماه حکومتش در پیش گرفته، ریشه در مخالفت درازدامنش پیرامون پیمان امنیتی واشنگتن - کابل دارد. یکی از دستاویزهای رییس‌جمهور کرزی در پیوند با عدم امضای پیمان امنیتی، نیز اقدامات خودسرانه نیروهای خارجی از جمله ایالات متحده است که تا اکنون سرنوشت این پیمان را معلق گذاشته است. تصمیم کنونی آقای کرزی تنها یک حرکت مجرد نیست بل در سلسله رفتارهایی مطرح می‌شود که او از چند ماه به این سو، روی دست گرفته است. رهایی زندانیان طالبان، چنگ و نشان دادن به ایالات متحده، سرباز زدن از امضای پیمان امنیتی همه و همه از جمله مکمل‌های تصمیم اخیر رییس‌جمهور اند. آقای رییس‌جمهور حین اعلام همین تصمیم نیز گفته است که در رسیده‌گی به پرونده‌های طالبان زندان بگرام مطابق روحیه وطن‌پرستی و استقلال‌طلبی عمل کرده است.

جدای از این که وضع محدودیت بر عملیات‌های نیروهای خارجی و توجیه رهایی جنایت‌کاران طالب با عنوان استقلال‌طلبی و وطن‌پرستی، آشکارا هم‌سوئی آقای کرزی را با طالبان نشان می‌دهد، این رفتار رییس‌جمهور یک نکته دیگر را نیز به اثبات می‌رساند.

رییس‌جمهور کرزی نیک می‌داند که کارنامه ده‌ساله او به شدت زیر سوال است و محتمل است که پس از پایان ماموریتش، برای مردم و حکومت بعدی پاسخگو باشد. بنابراین، او تلاش دارد تا با تیره‌ساختن روابط افغانستان و غرب، دولت آینده را نیز متاثر سازد. به این معنا که وقتی غربی‌ها در اثر سیاست‌های آقای کرزی موضع نهایی‌شان را در قبال افغانستان روشن کنند - به یقین که این موضع، قطع و یا محدودیت همکاری‌های دو جانبه خواهد بود - دولت آینده نیز ناگزیر است که در چارچوب‌های وضع‌شده حکومت پیشین (حکومت آقای کرزی) عمل کند و به این ترتیب ناکامی دولت آینده حتمی است. بی‌گمان که در حال حاضر آب از سر آقای کرزی پریده است و برای او دیگر هیچ چیز مهم نیست، حتی تحویل یک حکومت بی‌ثبات به تیم پس از خودش.

روشن است که حکومت آقای کرزی توانایی مهار تروریسم و ناامنی را ندارد. بسیار تجربه شده که در مناطقی از اطراف و اکناف کشور، نیروهای امنیتی و حکومت آقای کرزی به طور سمبولیک حضور دارند. در این مناطق، حاکمیت آقای کرزی روزانه وجود دارد اما شب‌ها این طالبان اند که حکومت می‌کنند و فرمان می‌رانند. با توجه به چنین وضعی، وقتی محدودیت علیه عملیات‌های خارجی وضع می‌شود، بدیهی است که نتیجه‌اش چندبرابر به سود طالبان است و این خود می‌نمایاند که آقای کرزی برای تقویت طالبان تلاش دارد. البته که نتیجه این تلاش‌ها در حکومت بعدی روشن خواهد شد. زمانی که طالبان کاملاً به یک قدرت خطرناک و محوناشدنی تبدیل شده باشد.

پیدا است که این تصمیم را آقای کرزی گرفته است و اگر فرض گیریم که آقای کرزی بنا بر همان گرایش قوم‌اش دست به چنین کاری زده باشد، در این جا معاونان او که به اقوام و به بسترهای دیگر تعلق دارند، چه کاره بوده اند؟

مردم را نسبت به متحدان بین‌المللی کشور که بدون شک در سال‌های آینده نیز به کمک‌های‌شان نیاز وجود دارد، دچار بدبینی می‌سازد. گاهی ممکن است مردم بیاندیشند که شاید آقای کرزی راست می‌گوید، کلید نهایی صلح و امنیت در دست امریکایی‌ها و یا یکی دیگر از کشورهای غربی است.

فراموش نکنیم که آقای کرزی به‌تازگی در مورد نقش بریتانیا در ولایت هلمند نیز سخنان حیرت‌برانگیزی را بیان کرده است که باعث خشم نخست‌وزیر آن کشور شده است. آقای کرزی در مصاحبه با یکی از نشریه‌های غربی گفته است که اگر بریتانیایی‌ها در هلمند نمی‌بودند، وضعیت این منطقه این‌قدر وخیم نمی‌شد. این گفته به چه معناست؟ فکر نمی‌کنم که بتوان برای آن معنایی غیر از این که آقای کرزی می‌گوید که بریتانیایی‌ها در ناامن‌سازی ولایت هلمند و حتا جنوب کشور دست داشته‌اند، معنای دیگری سراغ کرد. حالا در مورد سند امنیتی نیز آقای کرزی عین موضع‌گیری را تبارز می‌دهد. او می‌گوید که در طول دوره حکومت‌داری‌اش اگر یک نکته را هم دریافته، آن این نکته است که اگر امریکایی‌ها بخواهند، صلح در افغانستان تأمین می‌شود. این سخن شاید پاره‌یی از حقیقت را در خود داشته باشد، ولی به گفته سعدی «جز راست نباید گفت و هر راست نشاید گفت!»

بعضی وقت‌ها در عرصه سیاست، باید متناسب با منافع کشور تصمیم‌گیری کرد و از میان گزینه‌های مختلف، بهترین گزینه را برگزید. این‌طور نیست که همواره همه چیز بر وفق مراد باشد و کشورها از منافع خود دست بردارند. اما سیاست متکی بر واقع‌بینی و عقل‌گرایی، حکم می‌کند که نباید دست‌خوش احساسات و بازی‌هایی که نتایج آن‌ها مشخص نیست، شد. آقای کرزی با عدم امضای توافق‌نامه امنیتی می‌خواهد باج‌گیری کند. در این مورد حتا نباید شک ورزید؛ زیرا همین که آقای کرزی توافق‌نامه امنیتی را می‌خواهد در آستانه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امضا کند، مشخص است که نیت خوبی ندارد. این نیت اگر تا دیروز با مقداری ابهام همراه بود، ولی حالا مشخص شده که آقای کرزی در همسایه‌گی خود در ارگ می‌خواهد فردی را ببیند که یا از خودش است و یا فرمان‌بردارش. ورنه، این همه غوغا و سروصدا بر سر یک امضا به‌راه نمی‌افتد.

**آقای کرزی با عدم امضای توافق‌نامه امنیتی می‌خواهد باج‌گیری کند. در این مورد حتا نباید شک ورزید؛ زیرا همین که آقای کرزی توافق‌نامه امنیتی را می‌خواهد در آستانه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امضا کند، مشخص است که نیت خوبی ندارد. این نیت اگر تا دیروز با مقداری ابهام بود، ولی حالا مشخص شده که آقای کرزی در همسایه‌گی خود در ارگ می‌خواهد فردی را ببیند که یا از خودش است و یا فرمان‌بردارش. ورنه، این همه غوغا و سروصدا بر سر یک امضا به‌راه نمی‌افتد.**

شناخته شده است. آقای کرزی در سیزده سال گذشته، با سیاست‌های فاجعه‌آمیزی حکومت کرده که عمدتاً چوب آن‌ها را مردم عادی افغانستان خورده‌اند. از سوی دیگر، تناقض‌های موجود در سخنان مقام‌های کشور می‌تواند دال بر این امر باشد که آقای کرزی صد در صد با امضای توافق‌نامه امنیتی، مخالف نیست و هم‌چنان می‌خواهد به اصطلاح راه گنجشکی را برای خود باز نگه دارد. خودش یک نوع موضع می‌گیرد، ولی به دیگران می‌گوید که خلاف حرف‌های او را مطرح کنند. این‌گونه بازی‌های سیاسی می‌تواند منجر به سردرگمی‌ها و ایجاد باورهای اشتباه‌آمیز در میان مردم شود. حداقل با بازی‌های آقای کرزی، دیگر مردم نمی‌دانند که این سند چه معنایی است که این همه غوغا و سفرهای مقامات کشورهای غربی را به دنبال داشته است. در همین حال، این‌گونه بازی‌های سیاسی،

این روزها یک بار دیگر سفرهای به‌هنگام و نابه‌هنگام مقام‌های کشورهای غربی به افغانستان افزایش یافته است. این سفرها عمدتاً حول محور امضای توافق‌نامه امنیتی میان کابل و واشنگتن متمرکز شده‌اند. در سفر روز یکشنبه فرانک والتر اشتاین مایر وزیر خارجه آلمان به کابل، بحث امضای توافق‌نامه امنیتی یک بار دیگر مطرح شد و گویا مقام‌های دو کشور به ضرب‌الاجلی تازه نیز برای امضای آن دست یافتند. پیش از این، امریکایی‌ها گفته بودند که آخرین ضرب‌الاجل امضای توافق‌نامه امنیتی، تا پایان ماه جنوری سال روان است؛ ولی حالا ضاراحمد مقبل وزیر خارجه کشور می‌گوید که این سند پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امضا می‌شود. اما در همین جا میان گفته‌های مقام‌های کشور، تناقض عجیبی دیده می‌شود؛ زیرا از یک سو وزیر خارجه کشور، از امضای سند امنیتی تا پیش از برگزاری انتخابات خبر می‌دهد و ولی آن‌هم در برابر وزیر خارجه کشور آلمان، ولی آقای کرزی در دیدار با همین وزیر خارجه هم‌چنان بر پیش‌شرط‌هایش برای امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا تأکید می‌ورزد. از یک سو وزیر خارجه کشور از تکمیل شدن روند گفت‌وگوها و نهایی شدن سند امنیتی خبر می‌دهد؛ ولی از سوی دیگر آقای کرزی می‌گوید که این سند زمانی امضا می‌شود که امریکا به خواست‌های او لیبیک بگوید. حالا

در این میان مشخص نیست که حرف کدام یک از این مقام‌ها می‌تواند درست باشد و آیا به‌راستی سند امنیتی پیش از برگزاری انتخابات امضا می‌شود و یا هم‌چنان به عنوان گروگان در اختیار آقای کرزی خواهد بود. فضای سیاسی افغانستان به گونه‌یی است که نمی‌توان با قاطعیت حکم داد و یا انتظار نتایج مشخصی را داشت. شاید امروز حال‌وهوای رییس‌جمهوری به گونه‌یی باشد که با یک موضوع سر سازگاری نشان دهد، ولی فردا احتمال دارد وضعیت کاملاً مخالف آن رقم بخورد. آقای کرزی، اگر با مقداری تسامح بتوان بر او نام سیاست‌مدار را گذاشت، سیاست‌مداری نابه‌هنگام است؛ به این معنی که هر روز احتمال دارد حال‌وهوای مزاجی‌اش تغییر کند و با تغییر این حال‌وهوای مزاجی، احتمال دارد در بسیاری از برنامه‌های کشور نیز تغییرات فاحشی رونما شود. در سیاست به چنین وضعیتی، فاجعه می‌گویند که اصطلاحی

## ۱۵ شرط طالبان برای ادامه مذاکره با دولت



یک نماینده طالبان که در مذاکرات صلح با دولت پاکستان حضور دارد، با تاکید بر اینکه در صورت شکست گفت‌وگوها خشونت بیشتری در پی خواهد بود گفت که تحریک طالبان فقط ۵۰۰ عامل انتحاری زن را برای اقدامات تروریستی آموزش داده و آماده کرده است.

به گزارش شبکه خبری بلومبرگ، در حالی که طالبان و دولت پاکستان از هفته گذشته مذاکرات خود را آغاز کرده‌اند، مولانا عبدالعزیز، یکی از سه نماینده مذاکره کننده طالبان در مصاحبه‌ی اعلام کرد که این گروه تروریستی عجله‌ای برای دستیابی به توافق با دولت نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان ندارد.

عبدالعزیز در این خصوص گفت: در حالی که طالبان حداقل ۴۰۰ یا ۵۰۰ عامل انتحاری زن در وزیرستان یا دیگر نواحی قبیله‌نشین دارد، دولت باید شرایط و خواسته‌های آنها را درک کند.

شورای سیاسی و کمیته مذاکره کننده تحریک طالبان برای هرگونه مذاکره با دولت ۱۵ شرط اعلام کرده که توقف حملات پهلپادی، اجرای قانون شریعت در دادگاه‌ها، ارایه سیستم اسلامی در نهادهای آموزشی دولتی و خصوصی، آزادی زندانیان طالبان چه پاکستانی و چه خارجی، دادن غرامت بابت تلفات و تخریب‌ها در حملات پهلپادی، دادن کنترل مناطق قبیله‌ی به نیروهای محلی، عقب نشینی ارتش از مناطق قبیله‌ای و بستن ایست بازرسی‌ها و ملغی شدن پرونده‌های جنائی علیه طالبان، آزادی زندانیان دو طرف، دادن حق یکسان به همه چه فقیر و چه غنی، دادن شغل به خانواده‌های آسیب دیده از حملات پهلپادی، توقف حمایت‌ها از جنگ با ترور امریکا، جایگزینی سیستم اسلامی در حکومتداری به جای دموکراسی و خاتمه دادن به تمامی روابط با آمریکا از آن جمله هستند.

به گزارش رسانه‌ها شورای طالبان از روز شنبه به ریاست شیخ خالد حقانی، پروفیسور ابراهیم خان و مولانا یوسف شاه در وزیرستان نشست‌هایی را برگزار کرده است و این شورا احتمالاً شروط اعلام شده را به کمیته میانجی‌گر دولت اعلام خواهد کرد.

نواز شریف در حالی مذاکره با طالبان را آغاز کرده که فشارها بر روی پاکستان برای حمله نظامی به طالبان پس از کشته شدن تعداد زیادی از سربازان این کشور شدت گرفت. در صورت شکست گفتگوها که با کاهش نیروهای امریکا در افغانستان تا پایان ۲۰۱۴ همراه خواهد بود، تلاش‌های شریف برای تقویت اقتصاد ۲۲۵ میلیارد دلاری پاکستان با خطر شکست روبرو خواهد شد.

عمران خان که حزبی یک ولایت پاکستان در مرز با افغانستان را اداره می‌کند هفته گذشته پیش‌بینی کرد که حملات تروریستی باعث شکست مذاکرات خواهند شد و دولت پس از آن یک حمله نظامی بر علیه طالبان آغاز خواهد کرد.

عبدالعزیز که خود به دلیل شرایط پنج گانه دولت پاکستان هفته گذشته ابتدا از مذاکره خودداری کرده بود، مدعی شد: این قانون طبیعت است، وقتی گروهی حقیقت را دریافت نمی‌کنند، دست به مبارزه می‌زنند.

عبدالعزیز این اظهارات را در حالی بیان کرد که مخالفان طالبان، این آمار و ارقام را بزرگنمایی و تبلیغات طالبان می‌خوانند. از سال ۲۰۰۱ تاکنون حدود ۴۰ هزار پاکستانی در عملیات‌های تروریستی طالبان جان باخته‌اند.

## هیلاری کلینتون، رییس‌جمهور بی‌نظیری خواهد بود

پتریوس:



جنرال دیوید پتریوس معتقد است که هیلاری کلینتون، رییس‌جمهور بی‌نظیری خواهد بود.

به نوشته روزنامه دیلی میل، در کتابی با نام «اسرار دولت و تولد دوباره هیلاری کلینتون»، وزیر امور خارجه پیشین امریکا، که به تازگی به چاپ رسیده، اظهارات دیوید پتریوس، مدیر سابق سیا و جنرال ارتش امریکا در خصوص او نیز ذکر شده است.

بر اساس این کتاب، پتریوس در خصوص کلینتون گفته است: او رییس‌جمهوری بی‌نظیری خواهد بود. کلینتون مانند دیگر رهبران بزرگ، در سختی‌ها ویژگی‌های خود را بارزتر نشان می‌داد. برای مثال در جریان حملات بنغازی، او بسیار مصمم و قاطع بود.

پتریوس در زمانی که حملات بنغازی رخ داد، مدیر سیا بود. در این حملات چهار آمریکایی از جمله کریس استیونز، سفیر امریکا در لیبی کشته شدند.

شبکه خبری ای بی سی نیز مدعی شد که پتریوس و کلینتون در دورانی که کلینتون وزیر امور خارجه بود، با هم دوست شده بودند. علاوه بر این بر اساس گزارش نشریه وال استریت ژورنال، کلینتون، پتریوس را در

سال ۲۰۰۸ به خانه‌اش دعوت کرد و آنها در خصوص مسائل خاورمیانه صحبت کردند. همچنین گفته می‌شود پس از اینکه پتریوس به دلیل رسوایی اخلاقی، از ریاست سازمان سیا کناره‌گیری کرد، کلینتون در نامه‌ای با او ابراز همدردی کرده و با توجه به خیانت شوهر خود، بیل کلینتون گفت: من در این خصوص تجربه دارم!

## یمن به شش اقلیم فدرالی تقسیم می‌شود

طرح تقسیم یمن به شش اقلیم و اداره آنها به صورت فدرالی روز گذشته در نشستی با حضور رییس‌جمهوری این کشور به صورت نهایی تصویب شد.

طرح تقسیم یمن به شش اقلیم در دولت فدرالی این کشور در نشست صورت گرفته به ریاست عبد ربه منصور هادی، رییس‌جمهور یمن به صورت نهایی تصویب شد.

بعد از انجام مذاکرات و بررسی‌های مختلف برای ایجاد یک نظام جدید با هدف گسترش توسعه و تقویت امنیت و ثبات در این کشور با طرح ایجاد شش اقلیم در یمن موافقت شد به طوری که این شش اقلیم متشکل از اقلیم حضرموت به مرکزیت المکلا، اقلیم سبا به مرکزیت سبا، اقلیم عدن به مرکزیت عدن، اقلیم الجند به مرکزیت تعز، اقلیم ازال به مرکزیت صنعاء و در نهایت اقلیم تهامه به مرکزیت الحدیده خواهد بود.

شرکت‌کنندگان در این نشست از تلاش‌های صورت گرفته برای ترسیم آینده جمهوری فدرالی یمن استقبال کرده و اکثریت آنها به این طرح رای دادند.

بیشتر حوثی‌های یمن مخالفت خود را با تقسیم یمن به ۶ اقلیم اعلام کرده و تاکید کرده بودند که با ایجاد ۲ اقلیم در جنوب و ۴ اقلیم در شمال موافقت نخواهند کرد.



شبکه خبری دویچه وله

## «رنسانس اروپا - امریکا» به تعویق افتاد

معنا است که پروژه مورد علاقه دولت آلمان یعنی یک توافقنامه دوجانبه و الزام‌آور از نظر قانونی در رابطه با عدم جاسوسی تقریباً مختمه است.

دوم آنکه، با توجه به این مساله که بعید به نظر می‌رسد دولت اوپاما به این زودی‌ها در رابطه با مساله برنامه جاسوسی اقدامی انجام دهد، اروپایی‌ها باید راه دیگری را انتخاب کنند. اروپا باید به

جای تمرکز بر کاخ سفید، توجه‌اش را به کنگره امریکا معطوف کند. انجام هرگونه اصلاحات موثر در برنامه نظارتی آژانس امنیت ملی امریکا از سوی دولت اوپاما بعید به نظر می‌رسد اما ممکن است قانون‌گذاران امریکا این اصلاحات را انجام دهند. در حال حاضر ائتلاف گسترده‌ای از جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در کنگره وجود دارند که به طور جدی برای محدود کردن فعالیت‌های آژانس امنیت ملی امریکا از طریق قانون از جمله قانون آزادی در تلاشند.

مقامات و قانونگذاران اروپا باید به همتاهای خود در امریکا دسترسی پیدا کرده و در رابطه با اقداماتشان با آنها رای‌زنی کنند. در ضمن اروپایی‌ها باید مناظره‌های علنی را در رابطه با اعتدال

میان جاسوسی و حریم شخصی زنده نگه دارند چرا که این مساله فشار به کمپانی‌های اینترنتی مستقر در امریکا را برای وادار ساختن کنگره در راستای اصلاح واقعی برنامه‌های نظارتی آژانس امنیت ملی امریکا حفظ می‌کند.

در حالی که اخبار درباره یک رنسانس امریکایی - اروپایی زود هنگام و شتابزده است، اروپایی‌ها در حال حاضر نباید گوشه‌ای نشسته و درباره عدم عذرخواهی رسمی امریکا از این مساله جاسوسی که آنها را بسیار عصبانی کرده، غصه بخورند. بلکه در عوض آنها باید شکایت و خواسته خود را به قانونگذاران امریکایی یعنی نمایندگان مردم امریکا بگویند. این نمایندگان برای شنیدن صحبت‌های آنها گوش شنوا دارند.

دو منطقه فشار می‌آورد، اشاره کرده باشد. کری گفت، باراک اوپاما، رییس‌جمهوری امریکا دستور بازبینی برنامه‌های نظارتی امریکا را صادر کرده و دموکراسی این کشور همیشه در ترمیم مسائلی که نیاز به تجدیدنظر دارند، موفق بوده است. با وجود آنکه یک عذرخواهی رسمی از سوی امریکا در رابطه با اقدامات

در پی افشای اقدامات جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا، احیای اعتماد میان اروپا و امریکا در کنفرانس امنیتی مونیخ تحقق نیافت. کشورهای اروپایی باید در حال حاضر رویکرد دیگری را برای ترغیب واشنگتن به سوی اصلاح برنامه‌های نظارتی این آژانس در پیش بگیرند.

کنفرانس امنیتی مونیخ در اصل یک محل اروپایی - امریکایی برای مذاکرات سیاسی و تبادل نظر است. با وجود آنکه این کنفرانس در سال‌های اخیر به طور چشمگیری تمرکز جغرافیایی خود را گسترش داده اما این حقیقت با گذشت ۵۰ سال از آغاز کار این کنفرانس همچنان باقی است.

بنابراین چه چیزی می‌تواند بهتر از نشستی باشد که به طور مستقیم به اختلاف‌ها و دوستی‌های اروپا - امریکا که به دنبال افشای برنامه‌های نظارتی آژانس امنیت ملی امریکا به وجود آمده، رسیدگی کند؟ به ویژه بسیاری از ناظران آلمانی امیدوار بودند این مکان جایی باشد که برلین بتواند در آن نشانه و پیام واضحی را درباره آنچه که از زمان افشای جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا از

شهروندان آلمانی و حتی آنگلا مرکل، صدراعظم این کشور بارها از واشنگتن درخواست کرده، دریافت کند. آنها ناامید شده‌اند. مطمئناً امریکا با فرستادن جان کری، وزیر امور خارجه، چاک هاگل، وزیر دفاع امریکا و یک هیات کنگره‌ای بسیار بزرگ، افراد بسیار مهم و پرنفوذی را در حوزه سیاسی به کنفرانس مونیخ اعزام کرد. اما متأسفانه تعداد چشمگیر اعضای هیات امریکا با محتوای سخنان دو تن از مهمترین اعضایش مناسب نبود.

کری و هاگل در سخنانشان به طور کامل از پرداختن به مناقشات درباره برنامه نظارتی آژانس امنیت ملی امریکا چشم‌پوشی کردند. آنها حتی یک بار هم به این آژانس جاسوسی در سخنانشان اشاره‌ای نکردند. جان کری تنها مساله «رنسانس اروپایی - امریکایی» را مطرح کرد تا به خطرناک‌ترین و زیان‌بارترین موضوعی که به روابط این

جاسوسی‌اش هرگز در این نشست‌ها شنیده نشد، اما روابط عمیق اروپا - امریکا که کری و هاگل بارها در اظهاراتشان به آن اشاره کرده‌اند، شایسته بهتر از اینها است.

از نظر اروپایی‌هایی که نگران برنامه‌های نظارتی گسترده امریکا هستند، سکوت جان کری در جریان سفرش به مونیخ و آلمان دو معنا دارد. اول آنکه، فرصت‌های اصلاح جامع و کامل آژانس امنیت ملی امریکا توسط دولت اوپاما آقدر ناچیز است که به چشم نمی‌خورد. پیامی که جان کری در سخنانش به همتاهای اروپایی خود گفت، بدین صورت بود: «بباید از این موضوع گذشته و به راه خود ادامه دهیم. ما در حال حاضر نگرانی‌های شما را متوجه شدیم و با یکدیگر آن را حل کرده و از آن عبور می‌کنیم.» این مساله همچنین بدین



**بخش نخست**



# تبارشناسی معنای پول

شایسته مدنی

همه می‌دانیم که پول مهم است. درباره آن حرف می‌زنیم، می‌اندیشیم، بحث و خیال‌پردازی می‌کنیم. پول بخش وسیعی از انرژی هیجانی و درونی ما را می‌گیرد. فهم این‌که پول چه معنایی دارد، برای مردم متفاوت است. استفاده از پول مانند هوایی که تنفس می‌کنیم، طبیعی شده است.

طبیعت پول و آنچه از آنجا ناشی می‌شود و ارزش‌هایی که دگرگون می‌کند، مورد غفلت واقع شده است. فقط وقتی متوجه حضور پول می‌شویم که جامعه دچار رکود اقتصادی می‌شود. در حالی که پولی شدن بر مناسبات اجتماعی ما تأثیر عمیقی می‌گذارد. به زبان زمین می‌توان گفت که پول به عنوان نمادی معرفی شده است که همه روابط اجتماعی را در خود خلاصه کرده و یک‌جا بیان می‌کند. تفاسیر کلاسیک از توسعه جهان مدرن، پول را چون کلیدی در عقلانی‌سازی زنده‌گی اجتماعی ترسیم می‌کنند؛ پول به عنوان غایت شی شدن توصیف شده که همه تمایزات کیفی را به کمیت انتزاعی تشبیه می‌کند. ولی تحقیقات جدید نشان می‌دهد که درحالی‌که پول ارزش‌ها و احساسات را به طرف مبادلات عددی می‌برد، خود در این فرایند قالب می‌گیرد.

پول ظرفیت نهادینه کردن مراقبت، دوست داشتن و عشق را پیدا می‌کند؛ بنابراین در جامعه جدید، قلمرو خصوصی می‌تواند بر حسب معیارهای قلمرو بازار نهادینه شود. انسان چون فعال است، پس نمی‌گذارد پول همه معناها را از بین ببرد. معنای سودگرایانه از پول با مفاهیمی که انسان‌ها از پول می‌سازند، هم‌دیگر را شکل می‌دهند. اگر فرهنگ را شامل هنجارها، ارزش‌ها، نماد، رفتارها و معانی بدانیم، هریک از این عناصر بر برداشت و معنایی که برای پول قابل می‌شویم، موثر هستند. در این نوشته قصد داریم مفهوم تبارشناسی از مفهوم پول ارابه دهیم.

تعاریف متعددی از پول در کتاب‌های علوم اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود که بسیار به هم نزدیک و شبیه هستند. تعدادی از این تعاریف را در این‌جا ذکر می‌کنیم:

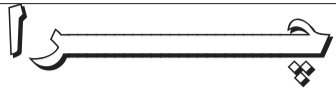
پول چیست؟ پول در فرهنگ جدید

رنگی آکسفورد چنین تعریف شده است: پول، وفور، فراوانی، بدهی، دارایی، چک بانکی، وسیله معاش، سرمایه، نقد، پول خرد، چک، سکه، مس، کارت اعتباری، ارز، زبان، قرض، سود سهام، مهریه، عایدی، وقف، املاک، هزینه، تأمین بودجه، بخت و اقبال، تنخواه، کمک‌هزینه تحصیلی، درآمد، سرمایه‌گذاری، مناقصه، قرضه، رهن، گرو، میراث، پرداخت، مستمری، پول جیب‌خرج، منفعت، مایحتاج، بازپرداخت، منابع، ثروت، حقوق، پس‌انداز، نقره، استرلینگ، استرداد، مالیات، چک مسافرتی، دستمزد، متمول، برنده شدن، پس‌انداز برای خرید چیزی خاص (فرنهام، آرگایل، ۱۳۸۴: ۳۰).

پول یک ابژه و یک شیء خنثاست. بنیان اولیه آن، مفهوم و ایده معامله پایاپای است. پول به عنوان ابزار راحتی برای تسهیل تجارت به وجود آمد. به عقیده فارنهام [۱] و آرگایل [۲] (۱۹۹۸)، پول واسطه تبادل است و کارکرد عینی دارد. می‌تواند برای به‌دست آوردن کالا و خدمات، مورد استفاده قرار گیرد. می‌توانیم ارزش‌های مختلف اشیاء را با استفاده از پول استندرد کنیم. پول هم‌چنین ذخیره ارزش است و می‌تواند تضمینی برای آینده باشد. البته پول معنای احساسی و ذهنی هم دارد. افراد، نسبت به پول، نگرش و گرایش‌های رفتاری دارند. ما به عنوان فرد، تفسیر خودمان را از پول داریم و جوامع؛ قوانین، مقررات و البته هنجارهای اجتماعی خود را دارند که استفاده از پول را دیکته می‌کنند (Terence, Amy, ۱۹۹۹). برای آن‌که مبادله امکان‌پذیر گردد، لازم است که انسان به عنوان یک فرد مالک چیزی باشد، و به عبارت دیگر، لازم است که نخست مالکیت شخصی وجود داشته باشد.

در جامعه‌های نخستین فرد نه تنها مالک چیزی نیست، بلکه حتا از خود نامی نیز ندارد، هرچه هست، دارایی مشترک جامعه می‌باشد. از این‌رو در چنین جامعه‌هایی، مبادله به مفهوم امروزی وجود ندارد. مبادله واقعی میان انسان‌ها و جامعه‌ها تنها پس از پیدایش تقسیم کار و افزایش تولید امکان‌پذیر گردیده است. به محض آن‌که در جامعه گروه‌های شغلی پدید می‌آیند، آن‌گاه است که تولید به منظور دیگران

**بخش دوم و پیاپی**



## متأهل‌ها از مجردها خوشبخت تر اند؟

مهم خوشبختی است

اما این را یادتان باشد که صرفاً در دست کردن حلقه ازدواج، شما را سالم نمی‌کند و به طول عمرتان نمی‌افزاید؛ ازدواج همراه با خوشبختی می‌تواند عمری طولانی را برای شما به ارمغان بیاورد. مطالعات انجام گرفته توسط پژوهش‌گران دانشگاه آکسفورد نشان داده که افراد متأهلی که در زنده‌گی مشترک خود احساس خوشبختی می‌کنند، طول عمر بسیار بیشتری پس از جراحی قلب باز نسبت به افراد مجرد دارند و البته باید این را هم متذکر شد که در این مطالعه مشخص شد، افراد مجرد هم نسبت به افراد متأهلی که زنده‌گی مشترک مناسبی ندارند، پس از جراحی قلب باز، طول عمر بیشتری دارند.

دکتر کی کات گلاسر، مسوول انجام این تحقیق می‌گوید: یکی از دلایل احتمالی این موضوع این است که زنده‌گی مشترک بد و نابه‌سامان، باعث اضطراب مزمن می‌شود که روی سیستم ایمنی حالت تضعیف‌کننده دارد و در کل باعث بروز بیماری‌های مختلف می‌شود. افرادی که به طور معمول مشاخره و منازعه دارند، سطح هورمون‌های استرس‌شان بالا می‌رود، زخم‌هایشان دیرتر بهبود می‌یابد و عمل‌کرد سلول‌های دفاعی آن‌ها هم ضعیف‌تر است. جالب است بدانید که در این مطالعات مشخص شد در این مورد زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند و سطح سلامت زنانی که در یک زنده‌گی مشترک نامناسب هستند، از سطح سلامت شوهران آن‌ها پایین‌تر است.

**در کل، وضع متأهل‌ها بهتر است**

دکتر جیمز ورما، متخصص روان‌شناسی بالینی در آکسفورد می‌گوید: مطالعات متعدد نشان داده که زنانی که ازدواج ناموفقی دارند، بسیار بیشتر از سایر زنان دچار چاقی‌های شدید، افسرده‌گی، فشارخون بالا و سکنه‌های مغزی می‌شوند؛ اما مردانی هم که یک زنده‌گی مشترک ناراحت‌کننده و پُر از درگیری دارند، بیشتر از معمول به سمت استفاده از موادمخدر و روان‌گردان‌ها می‌روند و آمار افسرده‌گی در آن‌ها بیشتر است.

اما دکتر ورما متذکر می‌شود که در تمام مطالعات انجام گرفته، مشخص شده که در زنده‌گی‌های مشترک طولانی‌مدت (بالای ۱۰ سال)، سطح رضایت از زنده‌گی به طور معمول بیشتر از سطح رضایت از زنده‌گی افراد مجرد است. در مجموع می‌توان گفت که به دلایل متعدد، افراد متأهل به طور متوسط سالم‌تر و بهتر از افراد مجرد زنده‌گی می‌کنند و کمتر و دیرتر دچار بیماری‌های مختلف خطرناک می‌شوند.

**مطلقه‌ها مواظب باشند**

دکتر دیوید سابارا، پروفیسور روان‌پزشکی در دانشگاه آریزونا می‌گوید: این‌که بگوییم افراد مجرد به دلیل مشکل ارتباطی یا مشکل شخصیتی مجرد هستند، غلط است و شاید تنها در مورد گروهی از مجردها این‌گونه باشد. در این گروه طبیعی است که مشکلات ارتباطی یا مشکلات تیپ شخصیتی می‌تواند روی سطح سلامت کلی و نوع رفتارهای فرد هم تأثیرگذار باشد و در کل باعث شود که آن‌ها زودتر از سایرین دچار مشکلات و بیماری شوند. اما گروهی از مجردها هم هستند که هنوز فرد مورد نظر خود را پیدا نکرده‌اند و به دنبال شریک زنده‌گی خود می‌گردند، طبیعی است که این گروه رفتار بهتری داشته باشند و رعایت نکات بیشتری را بکنند؛ ولی در مجموع آن‌چه مسلم است این است که متأهل بودن به‌خصوص اگر همراه با احساس رضایت باشد، باعث بالا رفتن سطح سلامت و به تعویق افتادن بروز برخی بیماری‌های مهم می‌شود.

آخرین نکته هم این‌که، در مجموع به نظر می‌رسد که افراد مطلقه هم مثل مجردها بیشتر در خطر هستند. دکتر سابارا می‌گوید: مطالعات متعدد نشان داده است که بسیاری از افراد متأهل می‌توانند زنده‌گی خود را مدیریت کنند و در نتیجه حس بدی به زنده‌گی نداشته باشند. در این گروه احساس افسرده‌گی و اضطراب ریشه‌دار زیادی وجود ندارد، اما هم در این گروه و هم در گروه افراد مطلقه‌یی که رضایت از وضع زنده‌گی خود ندارند، آمار سکنه‌های قلبی و مغزی بالاست و سن بروز این بیماری‌ها هم پایین‌تر از حد معمول است. به هر رو، بازم باید در این مورد تحقیقات بیشتر صورت بگیرد.

**منبع: سلامت‌نیوز**



دهد (مریدی، نوروزی، ۱۳۷۳: ۲۱۰). در تعریف دیگر، پول مقیاس مشترک ارزش‌ها و واسطه مبادلات است. استعمال پول به قدری برای ما عادی و پیش پا افتاده است که نمی‌توانیم تصور کنیم پیوسته وجود نداشته و از ازمئه گذشته به جای آن کالا را با کالا معاوضه می‌کردند. این نوع مبادله هنوز هم در ممالک عقب‌مانده و حتا در پاره‌یی از نواحی ممالک پیشرفته نیز معمول و جاری است (سوهو، ۱۳۵۴: ۲۵۸).

**سیاوش جمادی**

موضوع این گفتار، کافکا و دین است. از کافکا داستان، نوشته و نامه‌های بسیاری باقی مانده است. جهان او تا حدودی دسترس‌ناپذیر و از طرفی هم دسترس‌پذیر است. دین هم مفهومی وسیع و کلی است. اگر قبلاً بر سر این دو به توافق نرسیده باشیم، نمی‌توانیم به دنبال رابطه‌ی بین این دو در آثار کافکا برویم.

کافکا در دهه‌های اول قرن بیستم در امپراتوری اتریش مجارستان و میان اجتماعی از یهودیان به نام یهودیان اروپایی می‌زیست. آنان غالباً آلمانی‌زبان بوده و حتا در خانه هم عبری سخن نمی‌گفتند. آنان خود را روشن‌فکر می‌نامیدند. کافکا نمی‌توانست از علایقی مثل تیاتر خاص یهودیان به نام تیاتر ئیدیش یا زمزمه‌ها و آرم‌هایی که به نام صهیونیسم مطرح می‌شد و یا دوست نزدیکش به نام «ماکس برود» که علایق صهیونیستی داشت، مبرا باشد.

به بیان دیگر، او نمی‌توانست از جذبۀ این محافل بگریزد. اما کافکا در نهایت در آثار هنری و داستانی‌اش به هیچ یک از مسایلی که در فرقه‌های عرفانی یهودی از جمله فرقه کاباله یا حسیدی یا صهیونیست‌ها، یا فرقه عرفان‌گرای رودولف اشتاینر بود، نمی‌پردازد.

اگر به دفترچه روزانه کافکا یا به کتابی با عنوان «گفت‌وگو با فرانتس کافکا» رجوع کنید، متوجه می‌شوید کافکار چه قدر در قبال زمزمه‌هایی که صحبت از رستگاری و نجات و امید بستن به عوالم رهایی و غیره‌یی که اساس بسیاری از ادیان است، ساکت است.

او نه ملحد است و نه کافر؛ بلکه می‌گوید:

«من در میله‌های آهنی و ذهنیت خود محصورم. من نه می‌توانم متشرع و نه متعارف باشم.»

او اساساً نسبت به این زمزمه‌ها، بدبین و در آنها نوعی خودفریبی می‌بیند.

حال مسأله ارتباط کافکا و دین از کجا به وجود آمده است؟ چه انگیزه‌یی در تفسیرهای متعدد از کافکا وجود دارد که تفسیرهای دینی از او جایگاه خاصی را اشغال کرده است؟

کمتر نویسنده‌یی را می‌توان یافت که به اندازه کافکا تفسیرپذیر باشد. نوشته‌های او بر اساس نظر یکی از معروف‌ترین مفسران او یعنی «والتر بنیامین»، تجدید فرم اسطوره و تمثیل در ادبیات جدید است. به نظر می‌آید این بنا به ضرورتی انجام شده است. اول این‌که چرا ادبیات کافکا شکل تمثیل و اسطوره یا به نوعی زبان خاص دینی دارد؟

همان‌طور که می‌دانید، والتر بنیامین متقد بسیار دقیق و ژرف‌کاوی است که متأسفانه در حوادث سال‌های ۱۹۴۰ یعنی اوایل دهه ۴۰ قرن بیستم در سن ۴۰ سالگی در حال گریز از فرانسه در کوه‌های پیرینه به طرز مرموزی می‌میرد.

طبق گزارش‌های هانا آرنه که از نزدیکان بنیامین بود، او خودکشی می‌کند تا به دست نازی‌ها که فرانسه را اشغال کرده بودند، نیفتد.

والتر بنیامین در نقدی درباره آثار فرانس کافکا در کتاب «نشانه‌یی به رهایی» به نکته‌یی درباره هوای آثار کافکا اشاره کرده، می‌گوید:

«هوای آثار کافکا نوعی هوای روستایی است و این هوایی است که آثار همه بنیان‌گذاران ادیان در آن شکل گرفته است.»

بیشتر تفاسیر دینی درباره آثار کافکا، برون‌متنی اند. من منکر تفسیر برون‌متنی نیستم؛ ولی معتقدم برای دست‌یابی به جهان کافکا نباید از هیچ چیز او گذشت، از یادداشت‌های پراکنده و خصوصی تا نامه‌هایی که قصد نابودی‌اش را داشت و توسط دوستانش مثل «ماکس برود» نجات یافت. من معتقدم تفسیر برون‌متنی باید خود را با شخصیت نویسنده به گونه‌یی پیوند دهد.

وقتی یادداشت‌های روزانه او را بررسی می‌کنید، در واقع افکار او پیش چشم شماست. هرچند «موریس بلانشو» می‌گوید به این‌ها اعتماد نکنید. او نکته جالبی در مورد کافکا به‌خصوص در رابطه او با زن‌ها بیان می‌کند. او می‌گوید:

# کافکا سه لشکر مفسر

**به عقیده بلانشو جوهره آثار کافکا،**

**اصطکاکی بین شخصیت و خود بودن است**

**با نیروهای بیرونی که مانع خود بودن**

**اند. بلانشو بر آن است که کیرکه گور**

**به گونه‌یی تکلیف خود را با این مسأله**

**روشن کرده بود. زیرا ویژه‌گی‌ها را به**

**درون و باطن خود سوق می‌داد. اما کافکا**

**نمی‌تواند به درون خود عقب‌نشینی**

**کند؛ چون در آن صورت دچار خودفریبی**

**وحشت‌ناکی می‌شود که حاصل آن نوعی**

**شرم‌ساری است که در واپسین جمله**

**«محاکمه» نمود پیدا می‌کند. یعنی حتا**

**بعد از این‌که «جوزف کا» در واپسین**

**صحنه محاکمه به وسیله دژخیمان کشته**

**می‌شود، آن شرم‌ساری هنوز به قوت خود**

**باقی است**

**این صحنه جای تأمل دارد. بلانشو این**

**شرم‌ساری را اصطکاک وجود حقیقی**

**قهرمان با دنیای بیرون می‌داند**



تفسیر کرده، «موریس بلانشو» است. او معتقد است ویژه‌گی آثار کافکا اساساً باز نمودی است از ویژه‌گی شخصیت کافکا.

این ویژه‌گی‌ها گاه عیان و گاه نهان‌اند. اما مسأله صرفاً نوعی بیان حدیث نفس و بازگو کردن ویژه‌گی‌های شخصی نیست. کافکا از اصطکاک ویژه‌گی‌های شخصی‌اش با مقررات و به طور کلی قدرت صحبت می‌کند.

به عقیده بلانشو جوهره آثار کافکا، اصطکاکی بین شخصیت و خود بودن است با نیروهای بیرونی که مانع خود بودن اند. بلانشو بر آن است که کیرکه گور به گونه‌یی تکلیف خود را با این مسأله روشن کرده بود. زیرا ویژه‌گی‌ها را به درون و باطن خود سوق می‌داد. اما کافکا نمی‌تواند به درون خود عقب‌نشینی کند؛ چون در آن صورت دچار خودفریبی وحشت‌ناکی می‌شود که حاصل آن نوعی شرم‌ساری است که در واپسین جمله «محاکمه» نمود پیدا می‌کند. یعنی حتا بعد از این‌که «جوزف کا» در واپسین صحنه محاکمه به وسیله دژخیمان کشته می‌شود، آن شرم‌ساری هنوز به قوت خود باقی است.

این صحنه جای تأمل دارد. بلانشو این شرم‌ساری را اصطکاک وجود حقیقی قهرمان با دنیای بیرون می‌داند.

اما تفسیر «ماکس برود» از جمله دوستان نزدیک کافکا هم قابل توجه است. ماکس برود یهودی، معتقد به یهودیت و صهیونیست است. او در دانشگاه تل آویو کرسی استادی دارد. او همان‌قدر

که با کافکا دوست صمیمی بود، به قول بعضی از مفسران، از کافکا دور بود. تا جایی که کافکا در یادداشت‌های شخصی خود تصریح می‌کند که او و ماکس برود به دو دنیای کاملاً متفاوت تعلق دارند.

از جمله شواهد این افتراق این است که ماکس برود و کافکا هرگز نمی‌توانند اثری مشترک بنویسند. گرچه در این زمینه تلاش می‌کنند و رمان نیمه‌تمامی هم به نام «ریچارد و ساموئل» از این همکاری ناتمام باقی مانده است.

علت هم اختلاف شدید این دو از نظر سبک، دیدگاه و جهان‌بینی بود. ماکس برود اصرار زیادی دارد از آثار کافکا تفسیری متافیزیکی و مابعدالطبیعی استخراج کند. یکی از دلایل او و مفسران دینی دیگری از جمله مارتین بوبر و «برنارد رانگ» رمان «قصر» کافکا و فروبسته‌گی قصر نسبت به قهرمان داستان است. در رمان قصر مساک‌ها به‌شدت فعال اند، ولی متولیان و زعمای قصر به‌شدت مردم‌گریز، کتیف، آلوده، پنهان و منفعل و بی‌خاصیت‌اند. نمی‌شود به هیچ چیز آن‌ها اعتنا کرد. بسیاری از خصوصیات رمان قصر، بازگفتی است از الوهیتی که در فرقه‌های عرفان یهودی مجسم می‌شود.

به عنوان مثال در یکی از فرقه‌های عرفانی یهودیت یعنی کاباله، تصویری خاص از جهان الوهیت و ساحت «یهوه» عرضه می‌شود. به این معنی که اگر تمام جهان خودشان را در برابر ساحت مقدس و با شکوه «یهوه» چاک چاک کنند، او به انسان هیچ اعتنایی ندارد. ساحتی دور از دسترس است و هرگز هم‌چون مسیحیت که ملکوت الهی درون شماست یا اسلام که خدا از شاهرگ گردن به انسان نزدیک‌تر است، وجود ندارد.

نسبت منشای الهی با عالم انسانی، نسبتی ذی‌مراتب است. شبیه پرتو نوری است که شعاع‌های مختلفش در مراتب مختلف بازتابیده می‌شود. از مافوق به مادون طی یک سلسله‌مراتب تا به مادون‌ترین مرحله‌اش یعنی انسان و طبیعت می‌رسد. بشر با منشای اصلی هرگز رابطه پیدا نمی‌کند.

این مراتب مختلف، نامه‌رسان و پیک‌هایی دارند که در آثار کافکا مثل «قیام امپراتوری» و «دهکده بعدی» پیک‌ها نقش عمده‌یی بازی می‌کنند.

بنابراین مفسران او معتقدند تصویری که در قصر مشاهده می‌شود، تصویری است از جهان نوافلاطونی عرضه شده در برخی از مکاتب عرفانی یهود.

والتر بنیامین در عین این‌که با ماکس برود مخالفت می‌کند، اما خود هم در آثار کافکا صبغه‌های دینی و مذهبی می‌جوید. بنیامین چند داستان از تلمود نقل می‌کند که شباهت بسیار زیادی با ماجرای رخ داده در رمان «قصر» دارند.

از جمله داستان تلمودی شاهزاده خانم تبعیدی است. قهرمان این داستان به شهری تبعید شده که نه او و نه مردم آن شهر زبان همدیگر را نمی‌فهمند. او همواره منتظر پیامی رهگشا و به قول حافظ، پیک فرخ پی است که آمده و فروبسته‌گی در قصر را بگشاید. کسی که در داستان تلمودی باید ظاهر شود، مسیح تلمودی است. شاهزاده خانم، روح و آن دهکده، جسم و طبیعت است.

والتر بنیامین این مسأله را از دیگران نقل می‌کند. ولی تطابق عجیبی بین این داستان تلمودی با ماجرای که در رمان قصر اتفاق می‌افتد، وجود دارد.

همان‌طور که قبلاً گفتم، مساک‌ها فعال‌ترین شخص همه آثار کافکا هستند؛ شخصیتی که انفعال دست‌یابی و دست‌یازی و چنگ زدن به ساحت دوردستی که در آغاز رمان قصر در پشت ابر و برف‌ها پنهان بود، آغاز می‌کند. در مراتب مختلفی که در عرفان کاباله بین مبدای اعلا تا مادون توصیف می‌شود، مراتب مادونی و پایینی بسیار کتیف‌اند. بیشتر شبیه صحنه‌هایی اند که در آثار کافکا مثل صحنه‌های مربوط به زنان دیده می‌شود.

داستان‌های زیادی در تلمود و آثار مذهبی وجود دارد تا این شباهت را تداعی کنند که کافکا قصد دارد در قصر، بازگفتی از عرفان یهودی به نمایش گذارد.



# تبلیغ نکردن به از بدتبلیغ کردن است!

حلیمه حسینی

مبارزات انتخاباتی در حالی جریان دارد که باور عمومی این است که شاید بخش بزرگی از مردم در انتخابات پیش رو اشتراک نکنند و این خطرناکترین عاملی است که انتخابات آتی را در کنار هراس از تقلب و فساد گسترده و عدم امنیت، تهدید می‌کند و به چالش می‌کشد. اما اگر بخواهیم این ذهنیت را از افکار عمومی زدوده و به آن‌ها این باور را بدهیم که اکثریت مردم در قبال انتخابات پیش رو احساس مسوولیت می‌کنند و حضورشان بدون شک پُررنگ‌تر از دوره‌های قبل است؛ چه باید کرد؟ چه‌گونه باید مردم را متقاعد ساخت که رأی تک‌تک آن‌ها سرنوشت‌ساز است و خالی کردن میدان به نفع هیچ‌کس به‌خصوص به نفع خود آن‌ها نیست؟... این شاید بزرگ‌ترین رسالتی باشد که از این‌پس رسانه‌ها در قبال مردم و این پروسه ملی به عهده خواهند داشت.

این شب و روزها شاهد هستیم که اکثر تلویزیون‌ها، رادیوها و روزنامه‌های مان به‌نوعی درگیر مبارزات انتخاباتی‌اند و برای نامزدی که بیشترین پول را بدهد، بیشترین وقت را می‌گذارند. اما پرسش این‌جاست که آیا هر نامزدی که پول بیشتری هزینه می‌کند و تبلیغات گسترده‌تری سامان می‌دهد، برنامه‌ی برتر و اندیشه‌ی والاتر نیز دارد؟... تجربه رسانه‌ی نشان داده است که بدون شک تبلیغات می‌تواند آرای عمومی و افکار عمومی را رهبری کند و سمت‌وسو بخشد، اما آن‌چه رسانه‌ها نباید از یاد ببرند این رسالت است که آن‌ها در کنار سودآوری و نشر تبلیغات و اعلانات نامزدان، باید تلاش کنند که با آگاهی‌بخشی درست و متوازن، افکار عمومی را به سوی عقلانی‌تر رفتار کردن و هوشیارانه‌تر تصمیم گرفتن، سوق دهند.

مسئله اگر اکثر مردم به این باور باشند که رأی‌شان اهمیتی ندارد و نقشی در تعیین سرنوشت‌شان ایفا نمی‌کند، احتمال رفتن آن‌ها به پای صندوق‌های

رأی به‌مراتب کمتر شده و کاهش می‌یابد. اما اگر شهروندان افغانستان احساس کنند که رأی آن‌ها، حتا به تنهایی می‌تواند سرنوشت سیاسی کشور را تغییر دهد، همه‌گی مشتاقانه به پای صندوق‌های رأی خواهند شتافت. این رسانه‌ها هستند که با یک چینش خوب و قوی از لحاظ محتوایی و حتا شکلی، می‌توانند مردم را به سمت هرچه هدف‌مندتر شدن رأی و اراده‌شان برای رأی‌دهی هدایت کنند. از این‌رو باید نقش برجسته رسانه‌ها و مطبوعات را در این عرصه، مد نظر گرفته و مسوولانه در مقابل کارکردهای آن‌ها، عکس‌العملی به‌جا و مناسب داشته باشیم. بعضی رسانه‌ها آن‌قدر کمپاین‌زده شده‌اند و آن‌قدر گردونه پخش تبلیغات و نحوه پوشش خبری و تحلیلی از کمپاین‌ها را ناموزون و نامتعرف تدارک می‌بینند که مردم با تماشای آن، از انتخابات کاملاً دل‌سرد می‌شوند. در واقع چنین رسانه‌هایی با دریافت پول‌های کلان از نامزدان، خود تبدیل به یک ضد تبلیغ علیه انتخابات شده‌اند!

این عبارت که «تبلیغ نکردن، به از بد تبلیغ کردن است»، در فضای تبلیغاتی این روزهای ما کارآمد و بسیار پُر معنا به نظر می‌رسد. از میان یک ساعت سخنرانی یک نامزد، کدام فرازها باید بریده و برجسته گردند تا همه‌گانی بودن آن‌ها بیشتر به چشم آید؟، نقش مردم و صدای مردم پا به پای کمپاین‌ها چه‌گونه انعکاس یابد تا مردم خود را یک تماشاچی محض نه، که یک عضو فعال جامعه رسانه‌ی شده انتخاباتی ببینند و در نظر گرفتن ده‌ها عنصر دیگر، جزو اصولی‌ترین کارهایی است که باید مبنای یک تبلیغات کارآمد و اثربخش قرار گیرد. هرچه بیشتر به مردم این احساس داده شود که آن‌ها گزینه‌ی جز تماشاگر بودن رویدادهای انتخاباتی ندارند و توان تأثیرگذاری آن‌ها در سرنوشت کشور اندک است، به همان میزان باورمندی آنان به مشارکت در انتخابات کم‌رنگ خواهد شد و به هر میزان که ما بتوانیم با کشاندن مردم به صحنه مبارزات انتخاباتی

به عنوان بازیگران فعال این عرصه، مبارزات انتخاباتی را تحت مدیریت خواست و اراده مردم جلوه داده و به تصویر بکشانیم، به همان نسبت مردم نیز احساس از خود بودن نامزدان را تجربه کرده و نقش خود را برجسته‌تر خواهند یافت.

وقتی صدای مردم در گزارش‌های انتخاباتی بیشتر شنیده شود و مرتب و به‌صورت زنده برای این صداها مرجعی پاسخ‌گو از میان نامزدان پیدا شده و طرح و برنامه و راهکار وی برای حل مشکلات و بحران‌هایی که در صدای مردم موج می‌زده را شاهد باشیم، به‌طور مستقیم مردم خود را در صحنه حاضر می‌بینند و صدای دادخواهی خود را شنیده‌شده دیده و می‌فهمند که برای مشکلات‌شان چاره‌اندیشی می‌شود و کسی هست که وعده حل عملی آن را در قالب طرحی، پیشکش کرده است. اما اگر مبارزات انتخاباتی، فقط محدود شود به چند شعار و مهمانی و نان دادن و ضیافت‌های پُرخرج و پُرزرق و برق، نه تنها موفقیتی برای نامزد به همراه نخواهد داشت که این خود باعث جدا شدن بخش بزرگی از آرای مردم که رأی پابره‌نگان و گرسنه‌گان این دیار است از کسانی می‌شود که ول‌خرجی‌های شگرفی را در حالی انجام می‌دهند که آن‌ها (مردم فقیر) در تهیه سوخت زمستان و نجات از سرمای استخوان‌سوز درمانده‌اند!

باید نامزدان ما با هماهنگی رسانه‌ها، به سوی هرچه مردمی‌تر شدن مبارزات انتخاباتی و به سمت هرچه نزدیک‌تر شدن طرح و برنامه‌های‌شان به زنده‌گی حقیقی مردم حرکت کنند تا از این راه بتوانند بیش از پیش، افکار عمومی را برای حضور در انتخابات آماده کنند و اشتراک پُررنگ‌شان را که می‌تواند نمودی از محکم‌تر شدن پایه‌های دموکراسی در این سرزمین باشد را رقم زنند. چرا که منهای حضور گسترده و پُرشور مردم، هیچ مکانیسمی نمی‌تواند مشروعیت و دوام و بقای نظام برآمده از انتخاباتی با حداقل‌ترین اشتراک رأی‌دهنده‌گان واجد شرایط را تأمین کند!

## شاه‌گل رضایی عضو مجلس در کنفرانس آجندای ملی:

# آجندای ملی زمینه‌ساز گفتمان جدید در کشور است

نخست از تیم آجندای ملی که گفتمان ملی را در کشور راه‌اندازی کرده‌اند، اظهار سپاس می‌کنم.

گام‌های احمدولی مسعود را قابل قدر دانسته و آجندای ملی را از فرصت‌های طلایی برای مردم افغانستان قلم‌داد می‌نمایم.

بدون شک انتخابات کلیدی‌ترین عنصر برای ثبات آینده افغانستان است؛ ما امروز باید تعهد داشته باشیم و این را از آدرس آجندای ملی به اعلام بگذاریم که انتخابات به عنوان گزینه بدون بدیل باید به رسمیت شناخته شود و روی آن تأکید نمایم؛ چون ما می‌دانیم پیامد هر نوع بدیل دیگر جدایی از انتخابات، بحران اجتماعی، سیاسی و بحران مشروعیت در افغانستان است.

افغانستان بنا بر چند دلیل در مرحله حساس تاریخ قرار دارد.

آینده و سرنوشت این کشور با انتخابات گره خواهد خورد؛ برای اولین بار در تاریخ سیاسی کشور مردم انتقال قدرت سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز را توسط مشارکت خویش تجربه خواهند کرد.

هم‌زمان بودن انتقال سیاسی با هم‌زمان بودن انتقال مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغانستان، بخش حساس دیگری در شرایط امروزی می‌باشد.

نباید از یاد برد که میزان مشروعیت نظام حتا در صد سال پسین در کشور به سلامت انتخابات پیش رو بسته‌گی دارد.

سلامت و عادلانه بودن انتخابات پیش رو است که

می‌تواند، مشروعیت نظام آینده را در سال‌های بعد رقم بزند؛ از این رو است که ما سلامت انتخابات را از نکات شاخص می‌دانیم.

این باورمندی باید در وجود ما باشد تا انتخابات پیش‌رو را یک فرصت برای خود بدانیم.

شما در کشورهای همسایه افغانستان نگرستید که با وجود چالش‌های امنیتی و سیاسی مردم با حضور گسترده پای صندوق‌های رأی رفتند و نشان دادند که ملت برای سرنوشت خود حساس اند و تصمیم می‌گیرند.

توقعی که در شرایط موجود از ملت افغانستان می‌رود، این است که با درک شرایط حساس امروزی و با مشارکت گسترده در پای صندوق‌های رأی، یک‌بار دیگر حساسیت خود را در قبال سرنوشت خود به اثبات برسانیم.

با درک این حساسیت زنان افغانستان به عنوان آسیب پذیرترین قشر در هر مرحله، این شرایط را یک فرصت بسیار خوب برای تعیین سرنوشت خود می‌دانند.

اما نباید از یاد برد، به همان میزانی که ما باور داریم که انتخابات یک فرصت تاریخی است به همان میزان نگران روند انتخابات و روند بعد از انتخابات در کشور هستیم.

به عنوان یک زن و شهروند افغانستان، می‌خواهیم این نگرانی را با نامزدان محترم شریک بسازیم. ما باورمند هستیم که نهادهای انتخاباتی نقش اساسی دارند، اما نباید انکار کرد که نامزدان محترم برای

درک این نگرانی‌ها، نقش صد درصدی دارند. ما نمی‌خواهیم پیامد انتخابات، رفتن کشور به طرف بحران باشد؛ موضوعی که زنان و مردم افغانستان را سخت نگران ساخته است و در این شرایط مسوولیت تاریخی نامزدان محترم بیش از هر کس دیگر است.

منحیث یک شهروند این سرزمین حق داریم از چند مورد در چنین شرایطی مطمئن شویم:

۱- تداوم دموکراسی، آزادی بیان، حقوق برابر شهروندی، حاکمیت قانون و حاکمیت حکومت مبتنی بر اراده مردم در کشور را از اصول برگشت‌ناپذیر باید بدانیم.

۲- تداوم همکاری جامعه جهانی در شرایط فعلی کشور که باید برای مردم اطمینان داده شود و این یکی از نیامندی‌های اجتناب‌ناپذیر مردم افغانستان است؛ چون شرایط حاضر حکم می‌کند تا مردم از تداوم کمک‌های بیرونی با محوریت منافع افغانستان اطمینان داشته باشند.

می‌خواهم تأکید کنم که برگشت به گذشته در منطق امروزی افغانستان نمی‌گنجد.

۳- دولتی که بر اساس آرای مردم به‌وجود می‌آید پایه‌های آن را وحدت و عدالت اجتماعی تشکیل خواهد داد و این یکی از پایه‌های اساسی حکومت‌داری نیز است.

یک‌بار دیگر از کارگزاران آجندای ملی که زمینه‌ساز گفتمان جدید در کشور شده‌اند، اظهار سپاس می‌کنم و امیدوار هستم تا انتخابات پیش‌رو مرحله چالش‌زا در آینده کشور نباشد.

## انگلیس از هواپیماهای بدون...

آن حملات در نوامبر ۲۰۱۱ با شلیک ۲۵ فروند موشک به اوج رسید. در آن دوره فقط یک ماه - دسامبر ۲۰۰۸- بود که طی آن هیچ موشکی شلیک نشد.

جدیدترین ارقام نشان می‌دهد، هواپیماهای بدون سرنشین نیروی هوایی انگلیس طی سال ۲۰۱۳ تعداد ۹۴ موشک هلفایر در افغانستان شلیک کردند که بدین ترتیب تعداد کل مهمات و بمب‌های شلیک شده از هواپیماهای بدون سرنشین انگلیس از سال ۲۰۰۸ به چهار ۱۵۷ مورد رسید.

این ارقام که هفته گذشته در اختیار پایگاه اینترنتی «جنگ‌های هواپیماهای بدون سرنشین انگلیس» قرار گرفت، ۹ ماه پس از درخواست انتشار آنها بر اساس قانون انتشار اطلاعات منتشر شد. این پایگاه اینترنتی در مورد استفاده انگلیس از فناوری‌های بدون سرنشین تحقیق می‌کند.

کریس کول موسس این پایگاه گفت: جدیدترین اطلاعات فاش شده بار دیگر رویه پنهانکاری در مورد استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح را آشکار می‌سازد و تأییدی مجدد بر ضرورت نظارت بیشتر و شفافیت وسیع‌تر در مورد بکارگیری آنها است.

به گفته وی، ماهیت فناوری هواپیماهای بدون سرنشین به معنای استفاده از آن‌ها بدون هیچ‌گونه پاسخگویی علنی است و اگر هم اکنون برای محدود کردن کاربرد این سلاح جدید اقدام نشود، استفاده فزاینده از آنها برای انجام حملات نظامی سری و غیرقابل توجیه امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد که منجر به بی‌ثباتی و ناامنی فزاینده در جهان خواهد شد.

بیانیه وزارت دفاع انگلیس برای پایگاه اینترنتی «جنگ‌های هواپیماهای بدون سرنشین انگلیس» این مسأله را روشن می‌کند که خلبانهای انگلیسی مدت‌ها قبل از آنکه نیروی هوایی انگلیس هیچ هواپیمای بدون سرنشینی داشته باشد، از هواپیماهای امریکایی در افغانستان استفاده می‌کردند. به کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین رپیر انگلیس در افغانستان در اواسط سال ۲۰۰۸ آغاز شد.

وزارت دفاع انگلیس هنوز نمی‌داند به محض خروج نیروهای انگلیسی از ولایت هلمند در پایان عملیات رزمی ماه دسامبر، با ناوگان هواپیماهای بدون سرنشین مسلح رپیر چه باید بکند.

طبق قوانین کنونی انگلیس، این هواپیماها اجازه پرواز در حریم هوایی این کشور را ندارند. وزارت دفاع انگلیس در حال بررسی گزینه‌های مختلف، از جمله احتمال استقرار هواپیماهای بدون سرنشین در کنیا به منظور پشتیبانی از عملیات رزمی بر ضد تروریست‌ها در شاخ آفریقا، است.

## کمک‌ها هیچ تغییری در...

دولت، باید منافع ملی افغانستان و دستاوردهای دولت این کشور در ۱۳ سال گذشته نیز مد نظر گرفته شود. وی گفت: در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری از دستاوردهای دولت و ملت افغانستان در ۱۳ سال گذشته حمایت خواهد کرد.

گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان از سلا همچنین به تشریح روابط افغانستان با کشورهای همسایه و جهان پرداخت و گفت که با افزایش روابط افغانستان با کشورهای همسایه و جهان وضعیت این کشور در عرصه‌های مختلف بهبود خواهد یافت.

وی معتقد است که افزایش روابط با کشورهای همسایه می‌تواند روی اقتصاد و امنیت این کشور تأثیر گذارد زیرا با همکاری این کشورها می‌توان تغییرات زیادی را در این عرصه‌ها به وجود آورد.

وی تأکید کرد: افغانستان دارای موقعیت مهم جغرافیایی در منطقه است که می‌تواند ارتباط دهنده تمام کشورهای آسیا با هم شود، خصوصاً در عرصه اقتصادی و راههای ترانزیتی.

به اعتقاد این نامزد انتخاباتی، اگر امنیت در افغانستان تأمین شود و روابط این کشور با کشورهای همسایه گسترش یابد، افغانستان دارای اقتصادی قوی خواهد شد.

قرار است انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در تاریخ ۱۶ حمل سال آینده (۹۳) برگزار شود.



رییس جمهور کرزی به کابینه:

# مردم را نفریبید، من نامزدی ندارم!

وی نماینده‌گی نموده، کسی را برای رای دادن به کاندیدای دلخواهش فراخواند. حامد کرزی با تأکید خاطر نشان کرد که برای برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه در کشور متعهد است و هیچ‌گونه مداخلات خارجی را در انتخابات اجازه نمی‌دهد.

است تا زمینه انتخابات شفاف و عادلانه را برای همه مردم افغانستان فراهم سازد. او تأکید کرد که طرفداران هیچ کاندیدی حق ندارند تحت این عنوان که گویا حمایت رییس جمهور با تیم آن‌هاست، به مردم افغانستان معلومات نادرست بدهند و هیچ‌کسی در این رابطه نمی‌تواند از

رییس جمهور کرزی در جلسه روز گذشته کابینه، یکبار دیگر بر بی‌طرفی دولت در پروسه انتخابات تأکید کرد و به تمام مسوولان و کارمندان دولتی و به‌ویژه والیان و وزرای کابینه دستور داد تا از امکانات دولتی به نفع هیچ نامزدی استفاده نکنند. بر بنیاد خبرنامه ارگ، رییس جمهور کرزی گفت که مسوولان و کارمندان دولتی منحصراً شهروندان کشور حق دارند که در مورد کاندیدان مورد علاقه شان نظر مشخص خود را داشته باشند؛ اما به هیچ وجه نمی‌توانند از امکانات دولتی به نفع و یا ضرر یک کاندید مشخص استفاده کنند. حامد کرزی تصریح کرد که وظیفه حکومت افغانستان

مشاور امنیت ملی پاکستان:

## از نامزد مشخصی در انتخابات افغانستان حمایت نمی‌کنیم

سرتاج عزیز روابط میان پاکستان و افغانستان را مثبت ارزیابی کرده گفته است که هر دو کشور همسایه دارای روابط نزدیک با هم بوده و خواهان صلح و ثبات در منطقه هستند: «از شش هفت ماه به اینسو روابط میان افغانستان و پاکستان بهبود یافته است و این همه بخاطر پالیسی که ما در انتخابات آن کشور کدام کاندید مورد نظر نداشته و در مسایل داخلی آن مداخله نمی‌کنیم، صورت گرفته است.»



مشاور امنیت ملی و امور خارجی نخست‌وزیر پاکستان می‌گوید، حکومت پاکستان اجازه نمی‌دهد که از خاک کشورش برای مختل کردن پروسه انتخابات افغانستان استفاده گردد.

وی همچنان افزوده است که پس از خروج بخش عظم نیروهای خارجی از افغانستان، امکان تشکیل حکومت از سوی طالبان در آن کشور وجود ندارد.

سرتاج عزیز در نشستی که از سوی انجمن صلح منطقه‌یی یا «ریجنل پیس فارم» برگزار گردیده بود، همچنان گفته است که کشورش در انتخابات آینده ریاست جمهوری افغانستان کدام کاندید مورد نظر نداشته، بلکه خواهان افغانستان با ثبات و مستحکم می‌باشد.

رییس پاسپورت:

## به فساد پایان داده‌ام

چوکات وزارت امور داخله به شمار می‌رفت. متقاضیان پاسپورت، روزها و حتی ماه‌ها در این اداره منتظر می‌ماندند.

اما آقای صبور می‌گوید که با اجرای اصلاحات اداری، مانع از هرگونه کمیشن کاری در این اداره شده است. او خاطرنشان کرد که روزانه شخصاً کارهای متقاضیان را اجرا می‌کند.

آقای صبور تأکید ورزید که اگر شخصی نمونه‌یی از فساد و کمیشن کاری را در این اداره سراغ داشت، با او در میان بگذارد. سیدعمر صبور، از حدود ۵ تا ۶ هفته گذشته به سمت رییس پاسپورت وزارت امور داخله مقرر شده است.

همچنین آقای صبور از آغاز توزیع پاسپورت‌های کمپوتری در سال ۱۳۹۳ خبر داد.

عمر صبور خاطر نشان کرد: هم اکنون پاسپورت‌های الکترونیکی به مقام‌های بلند رتبه دولتی توزیع شده و این روند برای افراد عادی نیز از آغاز سال جدید شروع می‌گردد.

به گفته او، در حال حاضر، پاسپورت کهنه به صورت بسیار محدود برای افرادی که ضرورت فوری داشته باشند، توزیع می‌گردد.

او افزود که تا هنوز مدیران ۴ ولایت کشور با سیستم توزیع پاسپورت‌های جدید آموزش دیده‌اند و سر از ۱۵ حوت سال جاری، دوره آموزش توزیع سیستم جدید پاسپورت برای مدیران تمامی ولایت‌های کشور آغاز خواهد شد.

به گفته مسوولان، توزیع پاسپورت‌های الکترونیکی، سهولت‌های زیادی برای متقاضیان و بهبود در جمع‌آوری عواید دولتی را به وجود می‌آورد.

به گفته آنان، هم اکنون بیشتر عواید دولت، از درک توزیع پاسپورت نسبت نبود سیستم درست، هدر می‌رود.



رییس پاسپورت وزارت امور داخله می‌گوید که به تمامی موارد فساد در این اداره پایان داده است.

سیدعمر صبور رییس پاسپورت وزارت امور داخله روز گذشته در کابل به خبرنگاران گفت: «از زمانی که من در این اداره مقرر شده‌ام، فساد در این اداره را خاتمه داده‌ام و اصلاحات چشم‌گیری در ارائه خدمات این اداره به وجود آمده است.»

آقای صبور افزود: با تشکیل ۷ گروپ، روزانه به بیش از ۷۰۰ نفر پاسپورت توزیع می‌گردد و تمديد حدود ۲۰۰ پاسپورت دیگر در یک روز اجرا می‌شود.

او عدم دسترسی متقاضیان را به بانک، یک مشکل مهم دانست که برای حل این مساله نیز کار جریان دارد.

پیش از این، اداره توزیع پاسپورت از فاسدترین ادارات در



مویس:

### نمی‌دانم چرا پیروز نشدیم

وقتی بازی یک بر صفر باخته را با پیروزی دو بر یک عوض کردیم احساس راحتی و آرامش کردم چرا که به خودم گفتیم زحمات ما در این دیدار به هدر نخواهد رفت و در نهایت پیروز می‌شویم چرا که نیاز مبرم به پیروزی داشتیم اما متأسفانه به هدف خود نرسیدیم. ما خیلی سرترا از حریف بودیم حتی در پنج دقیقه پایانی فولام نمی‌خواست توپ را در اختیار گیرد چرا که شکست را پذیرفته بود. آنها تلاشی برای زدن گل تساوی نداشتند اما به نحو عجیبی به گل رسیدند. نمی‌دانم چه طور شد که پیروز نشدیم.

سرمربی منچستر یونایتد از پیروز نشدن تیمش در دیدار برابر فولام ابراز شگفتی کرد. او می‌گوید باید با اختلاف زیاد فولام را شکست می‌دادند. منچستر یونایتد در هفته بیست و پنجم رقابت‌های لیگ برتر انگلیس در حالی که تا آخرین دقایق با نتیجه دو بر یک برابر فولام قهرنشین پیش بود، در وقت‌های تلف شده گل تساوی را دریافت کرد تا بدیاری‌های این تیم با مویس اسکاتلندی ادامه یابد.

دیوید مویس، سرمربی شیاطین سرخ معتقد است که شاگردانش باید در این دیدار پیروزی می‌شدند اما باز هم بدشانس بودند. او گفت: می‌توانستیم به راحتی فولام را با اختلاف زیاد شکست دهیم اما متأسفانه باز هم بدشانس بودیم و توپ‌های ما به گل نرفتند. منچستر یونایتد شایسته پیروزی در این دیدار بود اما متأسفانه در آخرین ثانیه‌ها گل بسیار بدی را دریافت کردیم. به راحتی می‌توانستیم اختلاف را به دو گل برسانیم اما نه تنها این اتفاق نیفتاد که در آخرین ثانیه‌ها گل تساوی را هم دریافت کردیم تا به یک امتیاز رضایت دهیم. او افزود: فکر نمی‌کنم که بازیکنان منچستر یونایتد در این دیدار مرتکب اشتباه کشنده‌ای شده باشند. کاملاً بر بازی مسلط بودیم و باید به راحتی سه امتیاز را کسب می‌کردیم. متأسفانه ما قدر فرصت‌ها را نمی‌دانیم و به راحتی آنها را از دست می‌دهیم.

تاتا:

### شیفته بازی مسی هستیم



به دو گل هم برساند چرا که بازی را بسیار بد آغاز کردیم. امیدوارم که در دیدارهای آینده بهتر ظاهر شویم و چنین اشتباهاتی را مرتکب نشویم. تاتا درباره عملکرد داوری در این دیدار گفت: مسی در محوطه جریمه سویا متوقف شد و داور یک پنالتی واضح را برای ما نگرفت درباره عملکرد سانچس هم باید بگویم که آن صحنه را به طور کامل ندیدیم و نمی‌توانم درباره آفساید بودن و یا نبودن آن قضاوت کنم. لیونل مسی مهاجم آرژانتینی بارسلونا ستاره نخست تیمش در این دیدار بود که دو گل

سرمربی آبی-اناریها از پیروزی تیمش برابر سویا و بازگشت به صدر جدول رده‌بندی بسیار خوشحال است. او خود را از دوستاناران بازی مسی معرفی کرد.

بارسلونا در هفته بیست و سوم رقابت‌های لیگا موفق شد با نتیجه چهار بر یک سویا را از پیش رو بردارد و با تفاضل گل کمتر نسبت به رئال مادرید و اتلتیکو مادرید به صدر جدول رده‌بندی بازگردد.

خراردو مارتینو سرمربی بارسلونا از پیروزی مقتدرانه تیمش برابر سویا بسیار خوشحال است. او معتقد است که داور یک ضربه پنالتی واضح را برای تیمش نگرفت.

او گفت: از پیروزی و بازگشت به صدر جدول رده‌بندی بسیار خوشحال هستیم. تنها یک هفته طول کشید و بارسلونا بار دیگر به صدر جدول رده‌بندی بازگشت و این بسیار خوشحال کننده است. نیمه نخست را پراشتباه ظاهر شدیم. در بیست دقیقه اول بسیار بد بودیم اما به سرعت به بازی برگشتیم و همان روند همیشگی خود را دنبال کردیم. در نهایت بارسلونا موفق شد با اختلاف زیاد سویا را شکست دهد. از این پیروزی و کسب سه امتیاز خوشحال هستیم. او افزود: بارسلونا در این دیدار با یک گل عقب افتاد. باید اعتراف کنم که سویا به راحتی می‌توانست در همان ابتدای بازی اختلاف را

# Mandegar

## خط مشی عبدالقیوم کرزی در عرصه‌ی انکشاف اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحيم

پالیسی اقتصادی تیم انتخاباتی عبدالقیوم کرزی برای پنج سال آینده‌ی افغانستان، بر اساس همکاری جدی و دقیق بین حکومت و سکتور خصوصی طرح شده است که به نام اقتصاد رهنمایی شده‌ی بازار آزاد نامیده می‌شود. این پالیسی اقتصادی که زمینه‌ی اشتغالزایی برای میلیون‌ها تن فراهم می‌کند، قرار ذیل است:

- تولید برق از منابع داخلی؛ چون: آب، ذغال سنگ، گاز و آفتاب.
- انکشاف و توسعه‌ی زراعت از طریق توزیع زمین‌های دولتی به دهقانان، آبرسانی به زمین‌های لامزروع، فراهم کردن زمین‌های قرضه‌های حسنه‌ی طویل‌مدت برای خریداری تخم اصلاح شده‌ی زراعتی بذری، دواهای ضد آفات و پمپ‌های سولر به دهقانان.
- ساختمان خطوط آهن و اعمار مجدد و توسعه‌ی شاهراه‌ها.
- استخراج معادن از طریق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی.
- توسعه‌ی متوازن خانه‌سازی.

### عبدالقیوم کرزی

ستاد انتخاباتی عبدالقیوم کرزی



تاکتیزه شمېره  
تاکتیزه نېشه  
شماره انتخاباتی  
نشان انتخاباتی

## اصلاح تداوم و اصلاح

### هدایت امین ارسلا:

## کمک‌ها هیچ تغییری در زنده‌گی مردم نیاورد



هدایت امین ارسلا گفته است که در صورت پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری با فقر اقتصادی مبارزه خواهد کرد. هدایت امین ارسلا کاندیدای ریاست‌جمهوری افغانستان روز دوشنبه در مراسم افتتاحیه ستاد انتخاباتی خود در کابل، گفت: مردم افغانستان از فقر اقتصادی رنج می‌برند و در صورت پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده این کشور با این پدیده مبارزه خواهیم کرد.

ارسلا افزود: فقر اقتصادی را باید با افزایش تولیدات داخلی مهار کرده و تغییرات قابل ملاحظه‌یی برای ملت این کشور در عرصه اقتصادی به وجود آورد. به اعتقاد وی، در ۱۳ سال گذشته با وجود آنکه میلیاردها دالر از جامعه جهانی و کشورهای غربی به افغانستان سرازیر شد، اما این کمک‌ها هیچ تغییری را در زنده‌گی ملت این کشور به وجود نیاورد.

این کاندیدای ریاست‌جمهوری تأکید کرد که فقر اقتصادی هم‌اکنون در افغانستان به صورت گسترده‌یی وجود دارد و امکان مهار آن نیز وجود دارد که در صورت پیروز شدن در انتخابات در این راستا اقدامات جدی را دنبال خواهد کرد.

مصلحه با گروه‌های مخالف دولت ارسلا در ادامه ارایه برنامه‌های کاری خود اظهار داشت که مخالفان مسلح در چند سال اخیر در

افغانستان فعالیت گسترده‌یی داشته‌اند و هیچ گام مؤثری در راستای مصالحه با آن‌ها برداشته نشده است.

وی افزود: راه برون رفت از مخالفت مخالفان دولت افغانستان، مصالحه با آن گروه‌هاست که وی پس از پیروزی در انتخابات تلاش برای مصالحه و مذاکره با آن‌ها را انجام خواهد داد.

به اعتقاد وی، طالبان و حزب اسلامی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی و مخالفان بزرگ دولت افغانستان هستند، که با اندکی تلاش می‌توان با آن‌ها راه مذاکره را جست‌وجو کرد.

این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری در ادامه اظهار داشت: در کنار مصالحه با گروه‌های مخالف مسلح...  
ادامه صفحه ۶

## انگلیس از هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در افغانستان استفاده کرده است



وزارت دفاع انگلیس از هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی برای حملات موشکی در افغانستان استفاده کرده اند. به نوشته روزنامه گاردین، طبق ارقام جدید وزارت دفاع انگلیس، خلبان‌های انگلیسی حداقل ۳۹ حمله موشکی با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین امریکا مستقر در افغانستان بر ضد شورشیان طالبان انجام داده اند. بدین ترتیب وزارت دفاع انگلیس برای اولین بار نحوه استفاده

انگلیسی هواپیماهای بدون سرنشین همواره در استفاده از هر وسیله پروازی طبق قوانین انگلیس عمل می‌کنند.

اما فعالان اجتماعی خواستار نظارت بیشتر بر استفاده از این هواپیماها شده و فقدان شفافیت درباره برنامه‌های تحت کنترل نیروهای مسلح امریکا و انگلیس را محکوم کرده اند.

وزارت دفاع انگلیس همچنین برای اولین بار جزئیات مربوط به تعداد موشک‌هایی را که بین مه ۲۰۰۸ و اپریل ۲۰۱۳ هر ماه بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین انگلیس شلیک شده بود، منتشر کرده است....  
ادامه صفحه ۶

نیروی هوایی این کشور از هواپیماهای بدون سرنشین امریکا در حملات موشکی به مناطق جنگی افغانستان را فاش کرد.

طبق این گزارش، خلبان‌های انگلیسی بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ هدایت هواپیماهای امریکایی بدون سرنشین ریپر و پریدیتور امریکا در افغانستان را در ۲۱۵۰ مورد - به طور متوسط تقریباً یکبار در روز - بر عهده داشتند.

این ارقام هزاران ماموریتی را که نیروهای انگلیسی با ناوگان ده فروند هواپیمای ریپر خود انجام دادند، شامل نمی‌شود.

وزارت دفاع انگلیس تأکید کرد که خلبان‌های